

شرح
مجموعه

گل

یا

ورقی چند از شوریدگی‌های
سردار شهید مسین املاک‌ها

نوشته‌ی:

محمدهادی رنگریزان

سرشناسه: رنگریزان - محمدهادی - ۱۳۳۸

عنوان و نام پدیدآور: شرح مجموعه گل: ورق‌های چند از شوریدگی های سردار شهید حسین املاکی

نوشته محمدهادی رنگریزان

مشخصات نشر: رشت، بازارگان، ۱۳۸۸

مشخصات ظاهری: ۲۱۸ ص: مصور، عکس.

وضعیت فهرست نویسی: فیا

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۳۱-۵۳-۷

موضوع: املاکی، حسین، ۱۳۵۷-۱۳۶۷

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷-شهبان-سرگذشتنامه

رده بندی کنگره: ۱۳۸۸، ۹ ۱۷۷/الف/۱۶۲۶ DSR

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۳۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۹۹۰۰۷



ان خدمات بازارگان

سندوق پستی ۳۳۵۷-۴۱۶۳۵

رشت- خیابان سعدی - کوچه پورنقاشیان - پل بیت سوم - بلاک ۶۱-تلفن: ۲۲۴۳۶۳۲

نام کتاب: شرح مجموعه گل: ورق‌های چند از شوریدگی های سردار شهید حسین املاکی

مؤلف: محمدهادی رنگریزان

مطراح جلد: سید حسین میریادیاب

ناظر فنی: محمد حسن پورقربان

چاپ اول: ۱۳۸۸ - تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه قیمت: ۴۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۳۱-۵۳-۷

اجرا و مرکز بخش: کانون تبلیغاتی مین

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است.

این کتاب با حمایت ستاد کنگره سرداران و ۸ هزار شهید استان گیلان

و مشارکت سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران استان گیلان منتشر شده است.

با تشکر و سپاس از:

دفتر سیاستگذاری نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
مجموعه فرماندهی محترم سپاه قدس گیلان
فرماندهی محترم تیب دوم میرزا کوچک خان لنگرود
دفتر تأیید محتوای حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه قدس گیلان

www.kebab.ir

در «شرح مجموعه گل» همراه «شهید حسین املاکی» خواهید شد با:

مقدمه	۱۱
از بوته‌های چای تا درختان پرتقال	۱۳
کاروان و مسافری تازه	۱۷
در بین راه کولاک محله تا لنگرود	۲۱
آماده شدن برای یک آزمون الهی	۲۵
برنامه فردا	۲۹
باید برویم تا	۳۳
غبارافشانی و عشق آفرینی	۳۹
پس از دوازده روز	۴۱
یک میهمانی دیگر	۴۷
من که کار خاصی انجام نداده‌ام!	۵۱
تا چشمک زدن سیده!	۵۹
فرمانده هرگز!	۶۳
بازدید از معبرا	۶۷
کیسه خواب و کنسرو فشنگ	۷۳
تلاش برای رسیدن به هدف	۸۱
خلوت حضور و گدازه‌های عشق	۹۱
تلخ و شیرین (۱)	۱۰۳
تلخ و شیرین (۲)	۱۱۱
تلخ و شیرین (۳)	۱۲۱
ژاژیله بغض کرد؛ ماووت هم گریست!	۱۲۵
جانشین لشکر قدس!	۱۳۵
کوچک‌تر از آنم که پیامی بدهم	۱۴۹
روی شانه‌های پدر!	۱۵۹
شیارهای جان پناه!	۱۶۳
بال و پر بگشوده در حجم قفس، آماده پرواز!	۱۶۹
تا ملاقات خدا؛ یک دو - سه گام دیگر!	۱۷۷
ماسک زندگی و زندگی بدون ماسک!	۱۸۵
گوشه‌هایی از احوال به روایت عکسها و اسناد	۲۰۷

مقدمه:

عظمت روح «حسین» ها و کاری را که کردند، نه این جمله‌های پریشان و عبارت‌های رنگ پریده و نرزان بلکه روایت‌های جورواجور دیگران نیز نمی‌تواند منعکس کند و بنمایاند که «چون به عشق آمد، قلم بر خود شکافت!» و صدا البته «شهیدان را شهیدان می‌شناسند!» اما، درست یا نادرست، دل به دریا زده، با خود گفتیم: «لایق اگر نیستیم، دست و پای می‌زنیم، شاید که...»

و این به اصطلاح نوشته یا به حقیقت «ناتوان نامه» شکل گرفت. برای عنوانش، سرگردان واژه‌ها، ترکیبات و اصطلاحات این و آن شدم تا لااقل، با نامی در خور، تقدیم او و شما کنم! بلکه آبروداری کند و از حجم نقص کار، بکاهد! درگیری با خویش و جستجوی در اندوخته‌های دیگران، دستم را نگرفت که «صلاح کار کجا و من خراب کجا؟» به ناچار، «مشکل خویش برپیر مغان بردم» تا او که دولت یافته قرآنی است و به یک اشاره، صدها معما را حل کرده و می‌کند، گره‌گشایی کند! و او که خود، شرح آرزومندی را و رای حدّ تقریر می‌داند و شوریدگی‌اش عالمگیر است، پاسخ می‌دهد:

ای که از دفتر عقل، آیت عشق آمیزی ترسم این نکته به تحقیق ندانی دانست
«شرح مجموعه گل»، مرغ سحر داند و بس که نه هر کو ورقی خواند، معانی دانست!

پاسخی رندانه! اما، «حدّ همین است سخندانی و زیبایی را!»
سرانجام، «فقر و عجز چو منی در پی نقاشی گل» را از این منظر توجیه‌پذیر دانسته که:
«گل عزیز است، ولو چیره نباشد نقاش» و به همین دلیل، صحبتش را باید غنیمت شمرد.
بنابراین، با اعتراف به این که اگر چه با پای عقل نمی‌توان در میدان عشق قدم گذاشت و بی‌بال و پر را نمی‌توان مرغ نامید تا بی‌قراری‌اش درباره گل، دیدنی یا شنیدنی باشد، ولی از آنها که پای عقل را در میدان عشق قطع کرده و با رقص ایثار خویش در هنگامه عشقبازی «پرنده‌تر زمرغان هوایی» شده‌اند و «برنا و پیر عقل را مجنون و دروا کرده‌اند» گفتن و خواندن و پیوسته شنیدن، رواست!

و البته آن گاه که تنگی دل، عقل را گرفتار و زمین‌گیر می‌کند، نه روا که نجوای پاک دعا، از مؤثرترین دارو و دوا، و بی‌تردید نجاتبخش و گره‌گشاست! چرا که:

مبتلا را نکند جز سخن مرد، رها بسپارید، دل و گوش به مردان خدا
و بدین ترتیب، هر چند که برای «حسین» ها بهتر از واژه شهید زبیده نیست و هیچ چیزی نمی‌تواند جای او را بگیرد، اما به دنبال پیشنهاد لسان‌الغیب، خواجه حافظ شیرازی، «گل» خطابش می‌کنم و سطر سطر مندرجات این مجموعه را چون گلبرگ‌هایی از آن گل، به حساب می‌آورم و عنوان «شرح مجموعه گل» را برایش انتخاب می‌کنم!
امید که این مختصر را «هو الشّهد» پذیرا باشد و حلاوت قبول را در واژه واژه‌اش جاری گرداند که از شرمساری به درآییم و با درهای بسته روبه‌رو نشویم! ان شاء الله!